هفته نامۀ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



در دوران جهاد سنگرهای مجاهدین نه تنها کانون های برای کُنش های نظامی بلکه، برای پخش اندیشه های نو انسانی، سیاسی، علمی و فرهنگی تبارز و در آگاهی دهی مردم نقش اساسی را ایفا نموده است.

از سخنان رهبر شهید .

دور ششم –سال چهاردهم – شمارۀ ششم ۱۳ ثور ۱۳۹۴ ۱۴ رجب المرجب ۱۴۳۶ 3 MAy 2015

۸ثور در ارگ تجلیل شد



استاد سیاف: عزت و سنگینی این ملت در گروِ جهاد و مجاهدین است.

داکتر عبدالله: پیروزی جهاد مردم افغانستان افتخار ماندگار و همیشگی است.

داکتر اشرف غنی: افغانستان سرزمین جهاد و شهامت است.

■ **عنایت**

از هشتم ثور بیست و سومین سالروز پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان و به قدرت رسیدن مجاهدین، در ارگ تجلیل به عمل آمد. در این همایش ده‌ها تن از مجاهدان، ورثۀ شهداء، جان‌باخته‌گان، معلولان، به شمول رهبران جهادی، وزرای کابینه، اعضای محترم شورای ملی، اساتید دانشگاه‌ها و جنرالان قوای مسلح شرکت کرده بودند.

نشست تجلیل از ۸ ثور که از سوی حکومت با چند روز تأخیر (۱۲ ثور) در ارگ ریاست جمهوری برگزار گردید، با تلاوت آیات متبرکه و نواختن سرود ملی آغاز شد. در این گردهمایی، سخنرانان هریک به مزایا و گوشه های مختلف جهاد و مقاومت برحق مردم افغانستان در دوران چند تجاوز آشکار روشنی انداخته، این رویدادهای تاریخی را نطقۀ عطف در تاریخ معاصر .کشور خواندند.

عنایت الله نظری سرپرست وزارت دفاع ملی و رئیس کمیسیون برگزاری جنش ۸ثور ضمن خیرمقدم و مبارک باد گفت: ملت در ۸ثور سرنوشت یک قدرت متجاوز را به زباله دان تاریخ سپردند.

صبغت الله مجددی نخستین ممثل دولت اسلامی، پیروزی ۸ ثور را به کافه ملت مسلمان تبریک گفت. آقای مجددی افزود، اگر فضل و کرم خداوند و تلاش های خسته‌گی ناپذیر مردم نمی بود، پیروزی میسر نمی شد.

استاد عبدرب الرسول سیاف در مراسم ۸ ثور گفت: در آغوش قرن ۲۰، دو تجاوز توسط همین ملت بزرگ و پا برهنه شکست خورد و روابط حاکم دگرگون گشت. آقای سیاف گفت: ص۳

خواهان، در انتظار یاری و همدردی

■ **اندیشه**

رانش زمین طی روزهای اخیر در ولسوالی خواهان ولایت بدخشان بار دیگر فاجعه آفرید. در این رخداد طبیعی به تعداد ۵۳ نفر از هموطنان ما شهید و بیش از ۲۰ نفر زخم برداشتند. باشنده گان قریۀ جیرو بالای این ولسوالی می گویند امکان دارد که آمار تلفات جانی و مالی بیشتر از این نیز باشد.

پس از آن که واقعه رخداد در نخست به آن چندان توجهی نشد، وقتی موضوع به کمک رسانه های پخش و باز پخش شد، مقامات حکومت و برخی از نمایندگان مردم خود را به محل حادثه رساندند و به آسیب دیدگان کمک های نقدی نمودند. شاهدان عینی می گویند: عمق فاجعه زیاد است و کمک های واصله به میزان آسیب دیده گان همخوانی ندارد. تا هنوز بیش از سه میلیون افغانی از سوی ادارۀ مبارزه با حوادث به آسیب دیده ها توزیع شده است. مقداری کمک های نقدی از سوی ریاست اجرائیه توسط خانم فوزیه کوفی نمایندۀ مردم بدخشان به آسیب دیدگان نیز توزیع شده است. از سوی هم گفته می شود که کمک ها توسط مقامات مسوول حیف و میل شده است.

بدخشان یکی از ولایت های آسیب پذیر است که همه ساله به این گونه رخدادها مواجه می باشد. سال پار، رانش زمین در روستای آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان، نزدیک به ۳۰۰ خانه را بلعید.

ص۲

تغییر جغرافیای جنگ!



شمال افغانستان؛ به ویژه ولایت کندز و بغلان در سال ۲۰۰۹م و در آستانه انتخابات آن سال شاهد موج نا آرامی های مقطعی بوده است. بعد از ختم انتخابات مسوولیت ادارۀ نظامی این ولایات به عهدۀ فرماندهان جهادی و محلی، مانند: محمد داوود داوود و سید عبدالرحمان سیدخیلی و دیگران سپرده شد که این نیروها و فرماندهان بیدار توانستند ولایات شمال را در امن نگه دارند.

امروز آگاهان امور بدین باور اند که جغرافیای جنگ در کشور تغییر نموده و دست های در داخل حاکمیت وجود دارد که خواسته و یا نا خواسته جغرافیای جنگ را از جنوب به شمال تغییر دادند. ص۳

سفری به منظور حفظ تعادل

ص۲

روز کارگر؛
افزایش بیکاری در کشور! ص۲

مسوولیت ما،در برابر عقب مانده گی و مجاهد زدایی ص۴

تاریخ؛
به دور از گرایش ها ص۶

سفری به منظور حفظ تعادل

■ ابوبکر سبزوار

حفظ تعادل دیپلوماتیک در حالت عادی میان کشور ها یک اصل پذیرفته شده در روابط بین المللی است. هر کشوری برای اینکه بتواند رابطهٔ خوب با کشور های دیگر داشته باشد، باید این اصل را در نظر بگیرد. رعایت این اصل برای کشوری آسیب پذیر چون افغانستان جنبهٔ حیاتی دارد و عدم رعایت آن می تواند موجب چالش های مختلف گردد که یک تاثیر آن جنگ نیابتی است. بنا براین افغانستان در روابطش میان کشور هایی که با هم رقابت منطقوی دارند، باید تا حد ممکن به این اصل توجه داشته باشد.

پس سفر رئیس جمهور غنی به هند را می توان تلاشی در همین راستا دانست. روز دوشنبه ۷ ثور، رئیس جمهور اشرف غنی غرض یک سفر دوستانه و رسمی عازم دهلی جدید گردید تا روابط با هندوستان را که با بقدرت رسیدن حکومت وحدت ملی تا حدی به سردی گرائیده است، ترمیم نماید. این نخستین سفر رئیس جمهور غنی به هندوستان بعد از بقدرت رسیدن وی بعنوان رئیس جمهور است. نزدیکی روابط میان افغانستان و هندوستان در زمان ریاست جمهوری حامدکرزی بشکل بی سابقه ای انکشاف یافت. در این دوران هندوستان با کمک هایی به ارزش حدود دو میلیارد دالر به افغانستان، به بزرگترین کمک دهندهٔ منطقوی به افغانستان مبدل گردید.

این مسئله موجب خشم پاکستان شد و در نتیجه روابط میان افغانستان و پاکستان از این وضع متاثر گردید. بزرگترین مشکل افغانستان وابسته بودن راه ترانزیتی این کشور محاط به خشکه به بندر کراچی در پاکستان است. از جانب دیگر تیرگی روابط میان دهلی و اسلام آباد موجب گردیده تا روابط مستقیم تجاری میان افغانستان و هند و از این طریق روابط تجاری هند و آسیای میانه نیز به دشواری های زیادی مواجه گردد. برای رفع این مشکل، هندوستان با سرمایه گذاری در بندر چاه بهار در ایران، تصمیم گرفت تا راه جدید بازرگانی را در این منطقه بگشاید و اگر این کار عملی گردد، وابستگی افغانستان به راه ترانزیتی پاکستان بشدت کاهش یافته و انحصار پاکستان بر بازار های افغانستان نیز به نفع هندوستان تغییر خواهد کرد که موجب کاهش در قیم مواد مورد ضرورت در افغانستان خواهد شد.

اما با بمیان آمدن حکومت وحدت ملی، روابط با هند گرمی سابق را از دست داد. در این اواخر رسانه های هندوستان از تغییر سیاست افغانستان در قبال هند ابراز نا امیدی کرده و دادن امتیاز به پاکستان از جانب کابل را نوعی بی توجهی به دوستی با هند ارزیابی نموده بودند. اشرف غنی بعد از مراسم تحلیف، خواست دولت افغانستان برای دریافت سلاح سنگین از دهلی را که در دوران ریاست جمهوری حامدکرزی مطرح شده بود پس گرفت و افغانستان را در حلقهٔ چهارم روابط خارجی خود قرار داد در حالیکه پاکستان را بعنوان کشور همسایه و مسلمان، در حلقه های اول و دوم قرار داد.

رئیس جمهور اشرف غنی در کنفرانس قلب آسیا در بیجنگ، در مورد سیاست خارجی حکومت وحدت ملی چنین گفته بود: »از دید جغرافیایی، افغانستان در قلب آسیا قرار گرفته و تاریخ، این سرزمین را به نقطهٔ اصلی تقاطع میان قدرت ها و افکار رقیب، مبدل ساخته است. بنا براین سیاست خارجی برای ما بطور ذاتی با سیاست داخلی پیوند دارد. با درک اینکه ما در محل تقاطع پنج حلقهٔ روابط بین الملل قرار داریم، بناءً هدف ما باید ایجاد بستر مساعد برای همکاری بین این دولت ها، سازمان ها، قدرت ها و شبکه ها باشد.

در سیاست خارجی ما، شش کشور همسایهٔ ما، نخستین حلقه بشمار می روند. جهان اسلام دومین حلقه محسوب می شود. امریکای شمالی، اروپا، جاپان، آسترالیا و کشور های عضو ناتو و آیساف، سومین حلقه به شمار می روند. آسیا که در حال مبدل شدن به اقتصاد قاره ای است، چهارمین حلقه محسوب می شود و سازمان های بین المللی انکشافی، سازمان ملل متحد، شرکت های چندین ملیتی، جامعهٔ مدنی بین الملل و سایر سازمان های غیرحکومتی، پنجمین حلقه به شمار می روند.«

هرچند رئیس جمهور غنی در اولویت بندی این حلقه ها و بستر سازی در همکاری میان دولت ها، روابط تاریخی با قدرت ها و افکار رقیب را مهم دانسته است اما در ایجاد تعادل میان منافعی که این کشورها در افغانستان برای خود تعریف می کنند، توجیهی نداشته است. پس بیجا نیست که در عکس العمل به این اعلام سیاست خارجی از جانب رئیس جمهور افغانستان، سیاستمداران پاکستانی از آن استقبال کردند و روزنامه های پاکستانی نوشتند که پاکستان در سیاست خارجی حکومت وحدت ملی افغانستان در حلقه های اول و دوم قرار دارد زیرا هم کشور همسایه و هم مسلمان است، اما رقیب ما هندوستان به حلقهٔ چهارم تنزل نموده است. بنا براین هندوستان علی الرغم کمک های سخاوتمندانه اش در طول سیزده سال گذشته به افغانستان، اکنون باید در میدان افغانستان، عقب نشینی در برابر پاکستان را بپذیرد.

دولت هند در نشان دادن نا رضایتی از این وضع، کار بعضی از پروژه ها در افغانستان را به حالت تعلیق درآورده بود اما به نظر می رسد که اکنون دولت افغانستان در صدد است تا در سیاست خویش در قبال هندوستان تجدید نظر نماید.

ارگ ریاست جمهوری اعلام نموده که محور اصلی گفتگو های اشرف غنی با مقامات هندی مسایل اقتصادی، ترانزیت و تجارت خواهد بود و در این سفر دو طرف روی تمام مسایل مورد علاقه با هم گفتگو خواهند کرد.

جالب است که همزمان با این سفر، دولت هند اعلام نمود که دو چرخبال به نیروی هوایی افغانستان خواهد داد. هرچند این چرخبال ها مجهز به سلاح نیستند اما می توانند به مقصد نظامی برای نیروهای افغان کارآمد باشند.



در انتظار یاری و...

در رخداد طبیعی پار سال به صدها خانواده گیر ماندند و جان های خود را از دست دادند.

آمارهای ارائه شده از سوی مقامات مسؤول در بدخشان، قربانیان رخداد را بین ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ هزار گفته بودند. سال پار سازمان جهانی غذا، صلیب سرخ و ده ها نهاد خیریه به ده ها تن مواد خوراکی را به محل حادثه رساندند. اما امسال از کمک های بیشتر تا هنوز خبری نیست. این درحالیست که کمک های پارسال مورد دستبرد مقامات مسوول قرار گرفت و متأسفانه که امسال نیز خبرهای سوء استفاده بازتاب یافته است. آسیب دیده گان خواهان، نیاز به کمک ها بیشتر دارند و از تمام هموطنان خیر و نهادهای خیریه می خواهیم هموطنان آسیب دیدهٔ خود را کمک و یاری رسانند.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیئت تحریر
آدرس: کوچهٔ اول سرک لیسهٔ نادریه – عقب تلویزیون نور.
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ /۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

روز کارگر؛ افزایش بیکاری در کشور!

۱۱ ثور روز بین المللی کارگر بود. اما در کشور ما در کنار سایر چالش ها، یکی هم افزایش سطح بیکاری برخی عظیم مردم ماست که به پیری نه رسیده، قامت شان را خم می سازد. معضلهٔ بیکاری و نبود درآمد، زمینه ساز آن می شود تا برخی جوانان به مواد مخدر معتاد شوند، فساد اخلاقی دامنگیر شان گردد، به نیروهای مخالف مسلح دولت بپیوندند، سرقت نمایند و از کشور خارج شوند. زیرا بیکاری علاوه از این که مشکل فردی است و سبب می شود تا وی از یکسو دست بین و محتاج بار آید و دید جامعه نسبت به وی، دید حقیرانهٔ بیش نیست، از سوی دیگر تأثیر بسزایی در عقب مانی کشور دارد.

در صورتی که دولت، برای کارگر زمینهٔ کار را مساعد نسازد و زمینهٔ اشتغال زایی برای شان فراهم نه گردد، سیاست گزاری دقیق برای ایجاد کار در نظر گرفته نشود، بی کاران از افراد عادی و کسبه کار گرفته تا افراد تحصیل کرده به کار گماشته نشوند، نام گذاری روزی به نام کارگر، در اکثر کشورها بخصوص کشور های عقب ماندهٔ دنیا، درمانگر چالش های بیکاری نخواهد بود!

بیکاری سبب می شود تا فرد بیکار با قبول مصایب، ترک دوستان، خویشاوندان، فامیل و دیار دوست داشتنی اش، قصد عزیمت دیار بیگانه را نماید تا زمینهٔ کار برایش مساعد گردد، گرچه می داند سفرش مشکلات و حتی مرگ را در پی دارد. دیده هم شد چه تعداد شهروندان کشورما مفقود الاثر و تعدادی هم در مقاطع مختلف طعمهٔ نهنگ ابحار گردیده و یاهم در دشت های سوزان جان داده اند که به خاطر یافتن کار راهی کشورهای بیرونی شده بودند.

بیکاران کشور را نباید در چند جای تجمع مزدورکاران در شهرکابل و شهرهای بزرگ خلاصه کرد. و یا هم تعدادی از تحصیل کرده هایی که عقب دروازه های ادارات صف کشیده و گاهی هم اعتراض و راه پیمایی می نمایند و زمانی سندهای تحصیلی شان را به رسم اعتراض به آتش می کشند، دانست بلکه، ۹۹ درصد روستا نشینان کشور بیشتر از نیمی سال را که سرمای زمستان فرا می رسد، طور مطلق بیکار اند و آنچه عوایدی در موسم گرما از زراعت، مالداری و امور دیگر اندوخته اند، مصرف زنده گی بخور و نمیر شان می نمایند.

بناءً برون رفت از بیکاری، نیازمند توجهٔ جدی دولت است، تا در این بخش دلسوزانه و مسؤولانه گام های عملی بردارد. برون رفت از بیکاری و فراهم آوری زمینهٔ اشتغالزایی برای بیکاران، نیازمند مدیریت قوی و سرمایه است که نیروی بشری را از یک طرف مصروف کار بسازد تا سر پای خود بایستند و از جانبی در رشد اقتصاد و توسعهٔ کشور کمک نماید. این سبب می شود تا مخالفان مسلح دولت، قاچاقبران و تروریستان نتوانند از این نیروهای محتاج، سرباز گیری کنند. در صورتی می توان به معضلهٔ بیکاری نقطهٔ پایان داد که حکومت به سیاست تولیدی روی بیاورد.



تغییر جغرافیای جنگ!

عبدالعلی کوهی / استاد دانشگاه کابل

شمال افغانستان؛ به ویژه ولایت کندز و بغلان در سال ۲۰۰۹م و در آستانه انتخابات آن سال شاهد موج نا آرامی های مقطعی بوده است. بعد از ختم انتخابات مسوولیت ادارهٔ نظامی این ولایات به عهدهٔ فرماندهان جهادی و محلی، مانند: محمد داوود داوود و سید عبدالرحمان سیدخیلی و دیگران سپرده شد که این نیروها و فرماندهان بیدار توانستند ولایات شمال را در امن نگه دارند.

امروز آگاهان امور بدین باور اند که جغرافیای جنگ در کشور تغییر نموده و دست های در داخل حاکمیت وجود دارد که خواسته و یا نا خواسته جغرافیای جنگ را از جنوب به شمال تغییر دادند.

در سال ۲۰۰۴ م جنوب افغانستان به ویژه ولایت هلمند چنین وضعیت را داشت؛ اما امروز در برخی ولایات شمال کشور جنگ آغاز گردیده است. این جنگ در شرایطی در شمال کشور بر افروخته شده است که در کل ولایات شمال یک قول اردو وجود دارد و واحد های نظم عامهٔ وزارت داخله در این ولایت فعال بوده و اکنون نیز حضور دارد. نظر به فشار جامعهٔ مدنی و مردم بدخشان تازه یک لوای ارتش به ولایت بدخشان مستقر گردیده است، تا جلو پیش روی مخالفان در آن ولایت گرفته شود.

پس از آنکه موج نا امنی در سال ۲۰۰۹ م در شمال کشور به کنترول در آمد، ولایات آسیب پذیر شمال: به شمول بدخشان، کندز، بغلان، سرپل و سایر ولایات به حال خود گذاشته شد و با انتخابات ۱۳۹۳ این موج دوباره از سر گرفته شد. در گام نخست چهره های سرشناس جهادی که در برابر مخالفان چون دژ استوار ایستاده بودند، نظر به توطئهٔ آشکار و پنهان از میان برداشته شدند و به تعقیب این قتل های هدفمند، نا امنی در شمال کشور آغاز گردید.

جنگ های اخیر نه تنها مردم شمال و سایر ولایات افغانستان؛ بلکه کشور های آسیای میانه را نیز نگران ساخته است و این کشور ها نمی خواهند تا شمال افغانستان نا امن باشند؛ زیرا مخالفان می خواهند از طریق شمال خود را به آسیای میانه برسانند و جنگ را در آن کشور ها تحفه دهند. این جنگ و نا امنی در شمال در نتیجهٔ ناکارایی حکومت وحدت ملی و مسوولان اداری و نظامی آنها بوده است. بدون تعویض چهره های کارا به جای چهره های نا کارا و بسیج مردم در یک عملیات گسترده، ثبات در شمال باز نخواهد گشت.

این جنگ، هر روز از مردم، سربازان اردو و پولیس ملی کشور قربانی می گیرد که نمونهٔ اخیر آن در بدخشان، مردم افغانستان را تکان داد. به تاریخ ۲۱ حمل ۱۳۹۴ در حدود ۳۳ سرباز ارتش از سوی مخالفان سر بریده شدند.

جنگ و نا امنی در هفتهٔ گذشته در شمال کشور خبر ساز بوده است. به گزارش رسانه ها و پارلمان کشور تعدادی از روستا های سرپل در اختیار خارجیان و مخالفان دولت است، در تعدادی از روستا های کندز خارجیان لانه کردند. گفته می شود که مرکز کندز در تیر رس طالبان قرار دارد. گرچه نیروهای امنیتی با توجهٔ که در کندز نمودند، دشمن را گویا فراری ساختند اینکه این دشمن به کجا فرار کرده چیزی نمی گویند! در تعدادی از ولایات شمال جنگجویان خارجی پایگاه دارند. تعدادی از جنگجویان خارجی قصد دارند از طریق شمال به آسیای میانه نفوذ کنند.

امروز دولت وظیفه دارد بعد از تصفیهٔ کامل کندز به داد سایر ولایات شمال برسند. باید بدخشان از بهشت امن تروریستان خارج ساخته شود و مناطقی از کندز و سرپل از خطر سقوط نجات یابد. اگر حکومت به بی برنامه گی خود ادامه دهد، گروه های تروریستی، روستا ها و شهر ها را به گورستان مردم بدل خواهند کرد. مردم حق دارند که در صلح و ثبات زنده گی کنند و از دولت امنیت بخواهند. دولت باید امنیت نظامی و اقتصادی را در شهر ها و روستا ها تامین کند. وزیرستان شدن برخی از مناطق شمال امروز به تحلیل مسلط در کابل و پارلمان کشور تبدیل شده است. عده یی را بیماری توهم توطئه فرا گرفته است. اگر مدیریت سالم در نهاد های امنیتی به وجود نیاید، نا امنی در شمال کشور ماه ها بلکه، سال ها طول خواهد کشید. هرنوع نا امنی در بدخشان و کندز سایر ولایات کشور را نا آرام خواهد ساخت و شاهرگ های اقتصادی را در این ولایات و سایر ولایات متضرر خواهد ساخت.

۸ثور در ارگ برگزار...

دنیا باید منت پذیر این ملت با عظمت می بودند. آقای سیاف گفت: عزت و سنگینی این ملت در گروه جهاد و مجاهدین است. هرکس مجاهدین را تخریب می کند، در حقیقت تاریخ با عظمت این سرمین را تخریب می کند. وی از دولت خواست قدر جهاد گران را بدانند زیرا هنوز سنگردار میدان های نبرد همین مجاهدین هستند. آقای سیاف از مسوولین خواست جلو فساد را نیز در ابعاد مختلف بگیرند و از مجاهدین صرف به عنوان ابزار جنگی استفاده نکنند. بلکه در عرصه های عمران و باز سازی و دولتداری از ظرفیت های مجاهدین استفاده نمایند.

استاد سیاف گفت: طرفدار ضعف و فروپاشی نظام نیست؛ اما نباید از مجاهد، تنها در جنگ به عنوان ابزار استفاده شود و مجاهدین، باید در متن کار موجود باشند. وی افزود: "وقتی من مجاهد می گویم، منظورم تنها کسانی نیست که سلاح برداشته درسنگر نشسته و در برابر دشمن جنگیده است، این ملت منحیث المجموع مجاهد است، تنها کسانی که دین ستیز هستند و در خدمت بیگانگان قرار دارند، آنان دراین جمع نمی آیند."

استاد سیاف: مجاهد ستیزی، دین ستیزی است و هرکسی که مجاهد را تخریب می کند، تاریخ با عظمت کشور، حیثیت، عزت و آبروی این ملت را تخریب می کند. وی از رهبران حکومت خواست تا به گروه های کوچکی اجازه ندهد که در پی زدن پاهای جهاد و مجاهدین و در حقیقت درپی زدن اسلام و این ملت هستند.

استاد سیاف در قسمتی سخنرانی اش افزود: "یک زمانی دنیا هم صدا می کرد که مجاهدین دهشت گرد هستند؛ اما حالی دنیا هم فهمید که دهشت و وحشت چه است، مجاهدین پیام شفقت را با خود آورده است و امروز هم همین مجاهد است که در برابر دهشت و وحشت، داعش و القاعده ایستاده است."

وی علاوه کرد: "این نظام را ما از خود می دانیم، این نظام سرخون مجاهدین استوار شده است؛ ما طرفدار ضعف و فروپاشی این نظام نیستیم و می خواهیم که حکومت این ملت را در آغوش خود داشته باشد، احترام مجاهدین در عمل صورت بگیرد و به همان ترتیب رییس جمهور اعلام کرده که فاصله میان مسجد و ارگ را از بین می برم، تقاضای ما این است که آنرا در عمل نشان بدهد."

استاد سیاف در ارتباط نا امنی های کشور گفت، یک ثلث خرابی کشور، از طرف دشمن و دوثلث خرابی از درک انحرافات، فحشا و فسادی است که در داخل روان است، امید است که حکومت جلو آنرا بگیرد.

سخنران دیگر این محفل داکتر عبدالله عبدالله رئیس اجرائیهٔ حکومت وحدت ملی بود. وی به زوایای مختلف جهاد و اهمیت ۸ ثور تأکید کرده گفت، پیروزی جهاد مردم افغانستان افتخار ماندگار و همیشگی است. آقای عبدالله با ذکر یک خاطره از قهرمان ملی، از مسوولان امنیتی خواست تا به حفظ جان سربازان اهمیت قائل بوده و در قبال انجام وظیفهٔ شان دقیق و عادل باشند. در همایش ۸ ثور، آقای دکتر عبدالله عبدالله از ایستادگی در برابر حق مجاهدین تأکید نمود. آقای عبدالله دفاع از جان، مال و عزت مردم افغانستان را مسؤولیت ملی و دینی دانسته و تصریح کرد که در هر حالت همراه با نیروهای امنیتی کشور آمادهٔ دفاع از افغانستان می باشد. آقای عبدالله ضمن حمایت از پروسهٔ صلح تصریح کرد که، ملت ما در برابر یک آموزن سخت قرار دارد. آن آزمون، عبارت از آزمون جنگ است. جنگی که به نظر می رسد دوامدار خواهد بود و از ملت قربانی های بی شماری خواهد گرفت.

در همایش تجلیل از ۸ ثور، محمد اشرف غنی رئیس جمهور، افغانستان را سرزمین جهاد و شهامت خواند. او از جنگ های اول و دوم افغان انگلیس و شوروی سابق یاد نموده گفت، افغانستان سرزمین جهاد و شهامت است. ما در تاریخ معاصر خود سه تجربهٔ مهم جهادی را به ثبت رسانده ایم، نخست جنگ اول افغان و انگلیس، دوم جهاد سرنوشت ساز مردم ما در جنگ دوم افغان و انگلیس، و سوم جهاد تاریخساز ما در برابر تجاوز قوای شوروی سابق. رئیس جمهور گفت: افغانستان نیاز دارد تا از گسست هایی که پیامد جنگ های تحمیلی بود، در حال حاضر عبور کند و شرایط ثبات و رفاه عمومی را مهیا نماید. آقای غنی از شهامت و رشادت های مجاهدین بخوبی یاد کرد و وعده نمود که، از مجاهدین در تمام عرصه ها به منظور دولت سازی استفاده خواهد نمود. آقای غنی همچنان وعده نمود که، به وضع معیشتی علما و معلولین توجه می نماید و از علما خواست با مشوره های نیک شان دولت را کمک و یاری رسانند.

همایش با خواندن دعائیه و ذکر خیر مجاهدان و قربانیان دوره های جهاد و مقاومت و به امید این که از بازمانده گان شهداء وارسی و حمایت شود و صلح سرتاسری در کشور حاکم گردد، خاتمه یافت.

مسوولیت ما

در برابر عقب مانده گی و مجاهد زدایی

□ **نصرالله نیازی**
فارغ تحصیل فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بین المللی اسلامی اسلام اباد

خدا آن ملت را سروری داد
که تقدیرش بدست خویش بنویشت
به آن ملت سر و کاری ندارد
که دهقانش برای دیگران کشت

باید بدانیم! که جهاد مقدس ترین کلمهٔ عقیدتی و فکری مسلمان هاست که کانون حفظ هویت، استقلال، آزادی سرزمین؛ شرف و عزت مسلمانان ها را در بر می گرد. کلمهٔ جهاد در قرآن اکثراً به واژهٔ قتال استفاده شده که جنگ بخاطر دفاع از حق؛ ناموس و شرف را شامل می شود. ملت مجاهد و شهید پرور افغانستان درین راستا بزرگترین حماسه و قهرمانی را بر صحنهٔ تاریخ جهانی قرن بیست عرضه کردند و توانستند جایگاه خاصی را در صفحهٔ تاریخ مبارزین راه آزادی ملت های دنیا داشته باشند. خلاصه ۲۳ سال قبل از امروز شاهد تحولات بزرگی در صحنهٔ سیاست، اقتصاد و مکاتب فکری ملت های دنیا بودیم. از برکت قربانی مردم مسلمان افغانستان؛ بازداشتگاه های بزرگ مظلومان بسته شد، قفل ها و زولانه های تحجر و استبداد درهم شکست، کیان و ستون آزادی ستیزی و اشغال سازی ملت ها از هم فرو ریخت، ملت های دنیا که زیر امواج پر طلاطم با انواع از ظلم و توهین زندگی می کرد، یکی بعد دیگری رسماً آزادی و استقلال ملی خود را بدست آوردند.

شکی نبود که همهٔ این دستاوردها، ثمرهٔ جان نثاری و قربانی های خستگی ناپذیر دو دههٔ ملت غیور و مسلمان افغانستان در مقابل بزرگترین ابر قدرت وقت، (فکریهٔ مکتب کمونیزم و اتحاد جماهیر شوروی) بود. جا دارد؛ که ملت های دست اول جهان به ویژه غربی ها تشکر کنند و بدانند که احیای مکتب کاپیتالیزم و آزادی ملت های اروپا از زیر سیطرهٔ کمونیزم جهانی مدیون پیکار مبارزه و خون های برحق ملت رنج دیدهٔ افغانستان است. امروز که این ملت های غربی بر ما مردم رنج دیده، با کمک ها بناچیز شان منت می گذارند، نمی دانند که نعمت آزادی و انسانیت را به بهای خون ما حاصل نمودند! وگرنه زنجیر اسارت کمونیزم جهانی دست و پای شان را می فشارید. امروز که با حرکت های نا خردمندانه، ارزش های ملی و رسم و رواج های عقیدتی و فرهنگی ما را به استهزا می گیرند. بیاد ندارند! که روزگاری ارزش های دینی ما را مثل نام اسلام و مجاهد و جهاد را پیش تر از دیگران زمزمه می کردند. این مکتب و آئین سماوی را ستارهٔ نجات خود در مقابل سیل خروشان ارتش سرخ تلقی می کردند. شکر نعمت، نعمتت افزون کند / کفر نعمت از کفت بیرون کند.

ما در کجا قرار داریم!

برنامه های حذف مجاهدین نگرانی دیگریست که بر رنج و تکالیف ملت ما می افزاید! این تضعیف هویت و کمرنگی در صحنهٔ تصمیم گیری سیاسی؛ رفتن بسوی اضمحلال و پراگندگی شخصیت های ملی و جهادی، دست کم یک فاجعهٔ بر پیکر ارزش های ملی نیست! به حاشیه راندن مجاهدین و توطیه های پشت پرده که تا اکنون بازار گرم دارد، خالی از علل خارجی و داخلی نبوده، که بعضی از علت های آن را در پائین بیان می خوانید؛

(۱): علت داخلی آن متاسفانه که از درون کتله های مجاهدین، از نقطه های ضعف مدیریت و درایتِ سیاسی سرچشمه گرفته است. با کمال تأسف! حس خودخواهی و جاه طلبی و ارجحیت دادن به هویت، قوم و سمت، بزرگترین ضربه را بر پیکر قوت و نیروی مجاهدین وارد کرده است. اختلاف و نا هماهنگی سیاسی بین فکریه های رهبران مجاهدین؛ این ورشکستگی داخلی را در برخی عرصه ها تقویت کرده است. اگر واقعاً؛ وحدت سیاسی ما استراتیژی آیندهٔ رهبری ما را تقویت می کرد! امروز در چنین صحنهٔ رشد و توسعهٔ ملی، چالش ها و تراژیدی های کمتری را شاهد می بودیم و هیچ قوت و نیروی نمی توانست در مقابل مجاهدین ایستادگی کند. اگر روند امروزی و توطیه چینی های بزرگی که موج می زن، تغییر نکند؛ همگی دستاوردها، ارزش ها و زحمات سه دههٔ ملی مان از صفحهٔ تاریخ معاصر کشور حذف خواهد شد.

(۲) علل خارجی؛

عوامل خارجی که کشور را به بحران کشانیده، دخالت خارجی ها در امور سیاسی و تأمین منافع علیای کشور است. این توطیه چینی ها روند حکومت سازی و امنیت را درین کشور کُند ساخته، همه اولویت های استراتیژیکی که باید افغانستان در بیش از یک دهه بدست می آورد از دست داده است. دسیسه های شومی بر ما تحمیل می شود، از مقرری و تبدیلی پست های بلند پایه گرفته تا روند کمک های انسان دوستانه و بشر دوستی که مصرف آن هم به میل خود شان باشد، نشانه گیری شخصیت های ملی و کشاندن پای برخی رهبران مجاهدین به توطیه های کلان، نادیده گرفتن ارزش های دینی در چارچوب اخلاق و عقلانیت که نعمت خداوند برای هر ملت است، به انحراف کشانیدن نسل نوین کشور، ایجاد تنش میان احزاب سیاسی و کمرنگ ساختن وحدت ملی، به چالش کشانیدن سیستم و زیر بناهای اقتصاد ملی، این همه علت های است که از طر ف دوستان خارجی که از حقوق ملت ها و جامعهٔ ملل صحبت می کنند، بر جامعهٔ ما تحمیل می شود.

از سویی میزان بیکاری و فقر زیاد تر شده دامان ملت ما را می فشارد؛ از وضع بهبود کشور در عرصهٔ اقتصاد خبری نیست همه روز ملت ما در لابلای مشکلات ها دست و پنجه نرم می کند بسوی یک آیندل مبهم در حرکت است. ابر سیاه نا امنی بر اکثر نقاط میهن سایه افگنده، همه روز همشهریان ما قربانی ناامنی ها در کشور می شوند اما بد بختانه دولت مردان، این صحنهٔ دلخراش را نظاره می کنند. هیچ تصمیم قاطعانه بخاطر برداشتن این موانع راه حیات انسانی وجود ندارد. با وجودیکه دانشمندان می گویند، تردید و شک در امور سیاست و کشور داری، خود کشی است.

خطاب به اهل قلم و تعلیم و تربیت:

وحدت و یک پارچگی بین شخصیت ها و أقشار مختلف جامعه باید صورت گیرد. تا زمانی که رفاقت و برادری در میان قوت های فعال جامعهٔ مان استوار نباشد. نمی توان میان نواقصات و خرابی های جامعه؛ و برتری و شایسته سالاری آن خط قرمز گذاشت. همه اولویت ها قربانی خود خواهی و یکدیگر ناپذیری خواهد شد. اگر مجاهدین و قشر تعلیم یافتهٔ جامعه راه برون رفت ازین إنزوا پذیری را جستجو نکند، آیندهٔ خطر ناکتری بصد مراتب از امروز شاهد نسل جوان خواهد بود. رهبران جهادی و نخبگان جامعهٔ ما باید اختلاف های درونی را کنار گذاشته بسوی ملت سازی و نسل سازی گام بردارند.

من بعنوان یک فرزند با سواد این ملت از همین میز کتاب و قلم صدا می زنم که مجاهدین نسل شهدا و معلولین! سکوت و سرنهادن به ذلت مایهٔ هلاکت و از بین رفتن در صحنهٔ سیاست و تاریخ است. بنگرید دانشمندان را، مورخین را، انسان های مؤفق عرصه های جنجال آفرین گیتی را، که روزی بخود آمدند، فکر کردند؛ در پایان تصمیم گرفتند؛ همهٔ شکوفایی، نوآوری ها و نسل سازی کشورها و ملت ها حاصل تصمیم هاست. تلاش کنید راه می روید؛ بجویید می یابید؛ بکوبید در باز می شود. سخن من درین عرصه با اهل قلم و معارف است، تا زمانی که اختراع و نو آوری را در میدان روزگار پیشهٔ خود نسازید، خلاقیت جامعه سازی را تمرین نکنید، نسل نیرومند و باورمند به عقاید ناب فرهنگ ملی و اسلامی را تدوین نسازید، شما طراح زندگی شخصی خود نخواهید بود. در جامعهٔ که جای راحت و اطمنان را اظطراب، و مکان ترقی را عقب ماندگی، و مکان عدالت خواهی را استبداد و حق تلفی اشغال کند. خیلی خواب و خیال است؛ که قشر تحصیل کرده درآن جامعه تربیه شود، یا نخبگان از آن جامعه تبارز کند.

خطاب به مجاهدین این سرزمین:

مدیون قربانی کسانی هستید؛ که با شما در سنگر های داغ بخاطر دفاع از ملت و حاکمیت مبارزه کردند؛ این یک امانت هست که باید از اهداف اصلی آنها حراست نمود! از یتیمان و بیوه زنان آنها پشتیبانی کرد، باید ارزش های ملی و استقلال ارضی افغانستان را در سر نقشهٔ کار قرار داد. نگذارید قاتلان شهدا و معلولین بر سری یتیم و بیوه زنان شهدا حکومت کنند. وگرنه ذلت و رسوایی هردو دنیا متوجهٔ شما خواهد بود.

مشوره با دوستان:

جوانان، فرزندان شهدا، مجاهدین و نسل قلم بدست جامعهٔ نوین! با شما هستیم آگاه باشید!؛ که دشمنان قسم خوردهٔ تاریخ در کمین نشسته أند؛ افتادن شما را به دام تنیدهٔ خویش لحضه شماری می کنند. اگر إحتیاط و خرد مندانگی خود را در کار نیندازید؛ با فضیح ترین سرنوشت ذلت بار دچار خواهید شد.

جوانان کشور و نسل مسلمان باید تصامیم عاقلانه بگیرند زیرا شکوفایی و توسعهٔ فردای هر ملت نتیجهٔ تصمیم دیروز اوست. گفته اند اگر جامعه از طرف نسل جوانش حمایت نشود، محکوم به فناست. امروز ما مشاهده می کنیم که به انواع مختلف زمینه سازی برای تخریب فکریه نسل جوان به پیش می رود، بنیان سرشت خوانوادگی نیز در حال فروپاشی است، حقایق و راستی ها تحریف می شود. بزرگترین منبع کذ ب و خرافات گویی علیه ارزش های اسلامی، شبکه های اطلاعاتی است. اگر اهل دانش و قشر تحصیل کرده؛ این دسیسه های شوم را پاسخ ندهند مثل انسان های تحصیل نا کرده و إیله گرد؛ کور کورانه تقلید کنند؛ حقایق را خود مورد بررسی قرار ندهند؛جامعه در گردابِ فحشا و فساد اخلاقی غرق خواهد شد.

جوانان قلم بدستان مسوولیت این جامعه و حفظ آن از زیر امواج طوفان های خانمان سوز زمان، مسوولیت شماست؛ مبارزه علیه سیل خروشان تهاجم فرهنگی بیگانه بر این ملت، رسالت شما است. فرزندان شهدا و معلولین کتله با اعتبار دست اول این وطن شما استید؛ وقتیکه شما تحصیل نکنید ارزش ها را خود شناسائی نکنید؛ طبعی است که قضاوت فردای این کشور بدست دیگران خواهد بود. در تصمیم گیری آیندهٔ این ملت بشما جای نخواهد ماند.

در اخیر نظریهٔ کلی را جمع می کنم که، آسیب شناسی و ضرب های شکننده علیه وحدت مجاهدین و به حاشیه راندن این تودهٔ بزرگ؛ تهدید ها و بدگویی های برخی رسانه ها و حرکت های فاسد دیگر علیه مجاهدین؛ نبود انسجام وحدت و یک پارچگی را نشان می دهد، اگر مجاهدین و فرزندان شهدا یک دست و یک پیمان شوند امروز پرچم عزت و بلندی ارزش های جهاد روشن و درخشان است. پس ما باید خطبه ابوبکر صدیق را از یاد نبریم که فرمود (ولا قوم ترک جهاد فی سبیل الله إلا ضرب هم الله ذله) .... آن ملت که ارزش های جهاد را در راه دین خدا نادیده بگیرد؛ طبعی است که به سرنوشت ذلت و رسوائی دچار خواهد شد. پس افتخار به ارزش های جهاد مردم افغانستان و حمایت از دستاوردها و حفظ هویت این ملت مسلمان و نگه داری جامعه از لوث کثافت فساد اخلاقی و اعمال ضد انسانی و اسلامی از آرمان های ملت مسلمان و متدین افغانستان است. امیدوارم درین راستا پایگاه خبر پرانی مطبوعات مجاهدین و با الخصوص ادارهٔ محترم (نشریهٔ مجاهد) که از نامش پیداست، از هیچ نوع جان نثاری و قربانی دریغ نکنند. قلم شما محترمین روند سرنوشت سازی جامعه و ملت است.

رشادت های مجاهدین را پاس داریم!

□ **قاری هدیت الله (هدفمند نبی پور)**

افغانستان سرزمین مردان دلیر، شجاع و جان بازی است که هزارها هزار انسان دلیر و قهرمان را در بطن خود پرورش داده و تقدیم جامعه نموده است. این مردان خدا به خاطر دفاع از وطن، ناموس، شرف و عزت ملت شان جان های شیرین خود را قربان نموده و برای تحقق آرمان های مردم غیورکشورشان از هیچ نوع تلاش دریغ نورزیده اند. این ابرمردان تاریخ با ریختاندن خون شان صفحات تاریخ را به نفع اسلام و کشور و مردم افغانستان تغییر داده و با خط زرین نام شان را در تاریخ افغانستان حک نموده اند.

بدون تردید حکومت سیزده سال گذشته، حکومت وحدت ملی فعلی، شورای ملی، تدویر لویه جرگه ها در سیزده سالی که گذشت، تدوین قانون اساسی، همه و همه نتیجهٔ رشادت، مجاهدت و قربانی های مجاهدین راستین و سربکف ملت مسلمان و مجاهد افغانستان بوده که نباید به باد فراموشی سپرده شود و زیر پوشش توطئه های زهراگین دشمنان مردم مسلمان و مجاهد افغانستان قرار گیرد. افغانستان و مردم آن در اثر دست اندازی های پیهم دشمنان، هم آغوش غم بوده و همیشه با غم و اندوه و نابسامانی ها زیست نموده اند. از تجاوز عریان اتحاد شوروی سابق گرفته تا القاعده و طالب و در حال حاضر صدای پای داعش، مصیبت های اند که یکی پی دیگر از مردم ما قربانی می گیرد و در نا امنی و دلهره بسر می بریم.

به بهانهٔ سالروز پیروزی مجاهدین یاد آور می شوم، هرگاه مجاهدین و جان بازی ها و قربانی های ایشان نبود هیچ گاه امروز شاهد بوجود آمدن حکومت جدید و گذشته نمی بودیم. بنا براین هر فرد و گروهی که به نحوی بخواهد خدمات و جان بازی های مجاهدین را نادیده گرفته و در پی بدنامی اینها باشند، بدانند که جنایت و خیانتی بزرگی را مرتکب می شوند که قابل بخشش نخواهد بود. نباید قربانی های مجاهدین نادیده گرفته شود و به باد فراموشی سپرده شود، زیرا نتیجه همین خون های پاک بود که حکومت های استبدادی و استعماری و مزدور، از میان برداشته شد.

انچه برای سلامت کشور و مردم ما نیاز است، وحدت و یک پارچگی است اما می بینیم که دشمنان مردم افغانستان در پی آنند تا این شیرازهٔ مهم و حیاتی را صدمه زنند تا در اثر اختلاف و چند دسته گی، ماهی مراد خود را صید نمایند. یکی از رمز های پیروزی جهاد مردم مسلمان افغانستان و شکست ابر قدرت زمان، اتحاد و یکپارچگی ملت بزرگ افغانستان بود. گرچه بودند گروه ها و حلقاتی که در باروری جوانه های اختلاف یاری می رسانیدند تا به مرام خود از این طریق نایل آیند اما کور خوانده بودند و نتیجهٔ ای نداشت.

دولت مردان اگر اراده برای از بین بردن تروریسم و آرامی کشور و مردم دارند، حس مجاهد زدایی را تقویت نه نماید و از نیروهای که تجربهٔ جنگ را در دوره های جهاد و مقاومت دارند، استفاده نماید. زیرا می بینیم سالهاست تروریسم و مخالفان مسلح دولت از مردم ما قربانی می گیرد و هر روز گلیم ماتم هموار است.

زنده باد افغانستان!

ستیز با طوفان

تا که غارت در چمن پائیز غارتگر گرفت
خرمی از باغ وگلشن رفت و دامن برگرفت
آتش بیداد کشت بزرگر را پاک سوخت
خاک از سوز شرارش گرمی مجمر گرفت
زندگی یکسر لگدکوب هجوم مرگ شد
خاوران تا غرب را طوفان ویرانگر گرفت
بستر خاک سیه شد خوابگاه مردمی
کو خروش "لا" به ضد سلطهٔ کافر گرفت
آتش از بس دود این پیکر به گردون برکشید
راه نور مهر بست و جلوه از اختر گرفت
حمله ور شد جیش اهریمن بسوی قدسیان
حزب شیطان راه بر آئین پیغمبر گرفت
خون از رگها زبس بر پهنهٔ این خاک رفت
خاک و سنگ از گرمی خون گرمی دیگر گرفت
از یکی فرزند در خون خفت و از دیگر پدر
آتش باران بمب از طفلکی مادر گرفت
از هجوم دشمن غدار بر این سرزمین
چهرهٔ هرچه طراوت داشت خاکستر گرفت
بوی باروت آمد و بر عطر سنبل چیره شد
تشنه کامی آمد و دامان نیلوفر گرفت
ره به مژگان برد سیلاب سرشک از دیده ها
آه تا از سینه سرزد شعله چون اخگر گرفت
جمعی از ملت به هجرت رفت از دست ستم
روستا و شهر را قومی تجاوزگر گرفت
گرمی و بی سایهٔ سقفی در این هجرت سرا
تن ز سوز گرمی اش صد زخم پا تا سر گرفت
وه چه بیرحم است اینجا پنجهٔ خورشید داغ
تا که از رخ پردهٔ ابر بهاران برگرفت
طفلکان آن غنچه های باغ سرسبز وطن
با تف داغ کویر صد غنچه را پرپر گرفت
گرچه دشمن باور فتح و ظفر بر خویش داشت
از قیام ما شکست سخت آن باور گرفت
راه خصم تشنه بر خون بست آن ملت که پار
راه سیل یورش چنگیز و اسکندر گرفت
بانگ تکبیر آنچنان پیچید در شهر و دیار
کز طنینش دشمنان را لرزه بر پیکر گرفت
بستهٔ زندان نمی ماند خروش انقلاب
هرچه دشمن سخت گیری کرد، بال و پر گرفت
افتخار آمد به مردان کشته در میدان رزم
حیف آمد هرکه او را مرگ در بستر گرفت
گر یکی جان داد در راه خدا در سنگری
شیرمرد دیگری جایش در آن سنگر گرفت
تا رجز بر لب شکست از تیر دشمن بیدرنگ
رزمجوی دیگری فریاد را از سر گرفت
کی تفنگی از شهیدی بر زمین افتاده ماند
گرد نسیان کی سلاح رزم را در بر گرفت
از جهاد ما هزیمت در صف دشمن فتاد
راه مکر و حیله را آن دیو عصیانگر گرفت
گه سخن از صلح گه از مجلس و از جرگه گفت
بر فریب خلق راه مسجد و منبر گرفت
بربریت پایه های سلطه اش محکم نکرد
بهره از افزودن ظلم وستم کمتر گرفت
شد نصیب کام این ملت شرنگ دشمنش
جمعی زین حالت به نفع خویش کامی برگرفت
آنکه دی بودی به عشرت یا که اندر خواب ناز
آمد و عنوان میر و قاید و رهبر گرفت
بی هراس از آه دامنگیر طفلان یتیم
یا زدستی گر گریبانش گه محشر گرفت
زخم ها بسیار خوردیم از دم تیغ نفاق
لکه ها زین زخم ها تاریخ این کشور گرفت
دست ها باید بهم آید که آید وحدتی
ره به باطل می برد هرکو رهی دیگر گرفت
رخنه ها اندر حصار این حرم آید پدید
گر مسلمان دست را از دامن هاجر گرفت
بازوئی نازم که بعد از قرنها بار دگر
همچو حیدر از کف اعدای دین خیبر گرفت
بیشهٔ شیران افغان افتخار آسیاست
کاخ استعمار از ما رخنه در خاور گرفت

جدی ۱۳۶۷ – پیشاور

گزیدهٔ برخی سروده های حماسی در دوران جهاد

برگرفته از مجلهٔ میثاق خون–سال ۱۳۶۵

مولوی محمد حنیف "بلخی"

گلگون چراست ساحهٔ این ملک با کمر
یعنی چراست اینوطن تاجدار سرخ
قصاب کیست دامن صحرا نموده داغ
از خون کیست پهلوی این کهسار سرخ
قصاب عهد باشد و سلاخ روزگار
روس سفید و لیک ز نسل و تبار سرخ
آورده او هجوم که با زور و حیله ها
این ملک سبز را بکند تار و مار سرخ
لیکن هنوز مایهٔ نازند و افتخار
آنها که گشته اند به صید و شکار سرخ
آنها که کرده اند زخونهای پاک شان
تاریخ خاک خویش بصد افتخار سرخ
این رزم را حنیف بتاریخ اینوطن
برخامهٔ درشت همی کن نگار سرخ.

*

ای مجاهد ایکه آزادی بود منظور تو
جبههٔ تاریخ در پای دِرِ منشور تو
ای علمدار غزا در صحنهٔ مشت و درفش
دید دشمن ضرب مشت و بازوی پر زور تو

*

گشت اردوی جنون آلوده سرخ بی خدا
پاره، پاره هر کجا از ضربهٔ ساطور تو
آتش سوزنده و کوبندهٔ قهر جهاد
از سر پامیر روشن تا هرات و غور تو
برج و بار کاخ مسکو با همه کبر و غرور
لرزه بر تن از غریو نعرهٔ چون صور تو
غم مخور اندر فروغ دین و همت پیشرو
صد سحر ریزد در جیب این شب دیجور تو.

*

گوش بکن مجاهد! ایکه دلم بدام تو
نکتهٔ چند آورم در صفت مقام تو
در خم و پیچ قرن ها چشم فلک ندیده است
صحنهٔ چون هجوم تو، سنگر تو نظام تو
لرزه فگند بر فلک، نعره همچو رعد تو
رعشه فتاد بر زمین از اثر قیام تو
در رهٔ خصم منتظر از خم سنگر میهن
از سر شام تا سحر، دیدهٔ لاینام تو

*

چشم سوی شهادتی، روی سوی سعادتی
در صف جنگ می زند، درد کش مدام تو
رزم بکام تو شود، فتح بنام تو شود
زانکه کلام حق بود، راهبر و امام تو
قهر تو دشمن وطن سخت بزانو آورد
زلزلهٔ بپا کند، جوشش انتقام تو
فرصت شور و ولوله، تکیه گهٔ تو سنگرت
هست صف دلاوری پایگهٔ خرام تو
در زد و بند کی کنی راه عدوی خود رها
تا نشود اسیر تو، تا نشود غلام تو
کشته شوی و یا کشی دشمن دین و خاک خود
در صف رزم آوری نیست دگر مرام تو

*

ماکه دامان کفن چون لاله خونین کرده ایم
اقتدا بر سنت مردان پیشین کرده ایم
رهبر ماهست ارشاد خداوند و رسول!
تازه نبود این سلحشوری و دشمن سوختن
این عمل بر شیوه و بر طرز دیرین کرده ایم
تیر ما بنشسته اندر سینهٔ طاغوتیان
تیغ زهر آلود بر پهلوی طاغین کرده ایم
از برای جشن آزادی بخون خویشتن
میهن زیبای خود را سخت آذین کرده ایم

شهرت ننگیال

زمانی زره دی لایخ شوی ندی
بیا ازمویی ازمویل شوی متی
لا د په وینو تنده ماته نده
گوری په وینو بیا لرلی متی
و ازمویه خیر دی بیا هم و ازمویه
دحق په لارکی بد وهلی متی
د زور په وراندی به ونه لرزیږی
دایمان خواک باندی غښتلی متی

جلال فرهیخته

بمردمم،
بمردم دلیر و قهرمان من،
که در نبرد بی امان خویش ،
کشد ز روزگار روسها دمار،
سلام باد بی شمار،
به میهنم
به زاد بوم قهرمان پرورم،
که زاد گاه شیر مردهای خاور است،
و ابتکار رستخیز عصرما،
بدست غازیان بی بدیل این خجسته کشور است،
هزار بار افتخار.

*

ای سرباز سر افراز جهاد !
آی ابر مرد جهان!
آی مجاهد
تو بزرگی –
چو بزرگ است مقامت
تو سترگی،
تو مهیبی –
چو یکی تندر غرنده به هنگام بهاران،
که بود قاصد باران.
تو سزاوار سلامی و ستایش،
پس ترا مرتبه والاست به تعریف نیایی
بتو ای مرد مجاهد!
بتو ای رزمگر سنگر حق
که کفن بر تن و تکبیر خداوند به لب،
بهر تجلیل و بپاداری اسلام عزیز،
رفته ای جانب پیکارگهٔ باطل و حق
سلام باد.

*

چون بهر نبرد رزم سنگر گیری
آرام و سکون ز (خصیم پیکر) گیری
بر ماشه چو انگشت شهادت مانی
جان از تن دشمن احمر گیری.

*

پیکار تو کاخ ظلم واژگون نمود
زلزال شد و جهان دگرگون نمود
ایثار تو در نبرد و یورشهایت
اخصام ترا دل جگر خون نمود.

محمد شریف پیغام

می شود آزاد دیار شیر مردان غم مخور
ملت افغان شود مسرور و شادان غم مخور

*

سطوت ارباب استعمار و استکبار را
سرنگون سازد قیام حقپرستان غم مخور
بزم طاغوتان به حسرت می شود روزی بدل
در خطر افتاده گورباچوف و ریگان غم مخور
در حصار دین ندارد راه یاجوج های سرخ
سربلند است رایت توحید و قران غم مخور
از نوا افتاده تار نغمهٔ لینینیان
در طنین است نعرهٔ تکبیر و ایمان غم مخور

ذیغم

آمد ایام گل و در گلستانم آتش است
میهن زیبای من افغانستانم آتش است
جوی خون جاریست جای آب از هرچشمه، سار
کوه من، دریای من، کون مکانم آتش است
از هجوم لشکر غارتگاران خرس قطب
سنگر فرخندهٔ رزمندگانم آتش است
"هیچ آبی آتش جانسوز ما را گل نکرد"
دل درون سینهٔ آتش فشانم آتش است
شعلهٔ مخصوص زمین نبود، که اندر آسمان
در دل منظومه و در کهکشانم آتش است

*

جنبشی را رهبری خلق مسلمان کرد باز
حیرت افزا انقلابی قوم افغان کرد باز
تازه شد بار دگر حماسهٔ دور کهن
مدعی انگشت حیرت را بدندان کرد باز
چون شکست قاطع چنگیزیان و انگلیس
ارتش خرسان قطبی را هراسان کرد باز
نعرهٔ جان بر کفان، سنگر آزادگی
لرزه بر اندام استکبار و عصیان کرد باز
ملت آزاده تسلیم اسارت کی شود
خشم این آزادگان اینکه طوفان کرد باز

محمد رشاد (وساء)

در جنگ حق و باطل سیل سکون کی دارد
امکان آرمیدن جز مرد دون کی دارد
قومی درین گذرگاه مشغول گیر و دارند
از وحشت تطاول دل پر زخون کی دارد
قومی گذشته از جان قومی اسیر شیطان
کردم زخویش پرسان وضع زبون کی دارد
گلگون کفن گذارد پا در حریم خلوت
آثار سربلندی بی رنگ خون کی دارد
یا مرگ یا رهایی باشد شعار مردان
جز مشت بی تفاوت روح جبون کی دارد
هرجا که عاقلی بود فکر گلیم خود کرد
در وضع این زمانه عار از جنون کی دارد
در باغ هرکه دارد روزی و روزگاری
جز شاخ بید مجنون وضع نگون کی دارد
پای برهنه رفتی در جنگ غول دوران
زین جنگ نا برابر پر زخون کی دارد

رحمانی

ای شهید،
ای راد مرد جاوید
و ای سمبول آزادی
افتخار بر تو، درود بر تو
این خون گلگون تست که تاریخ را میسازد
یعنی تو سازندهٔ تاریخی
تو مشعل تاریخی و تاریخ از تو روشن و از تو در حرکتست و تو ...

جمال

تو ای مجاهد نستوه
ای افتخار جهاد
ستیز تا دم مرگ
ستیز که دشمن ناکاره ات بخاک افتاد
ستیز که میهن تو
دین تو...
آیین پاک ملت تو
ستیز پرچم قرآن تو
بلند شود
ستیز تا که از آن ظلمت اسارت و ظلم
وز آن میانه آتش و زآن کرانهٔ دود
وزآن فضای پر از آه و ناله و شور
و زآن زمین پر از اشک و خون معصومان
کنار کلبهٔ ویرانهٔ ستمزده یی
به آستان در و بام بیوه زنی
به اهتزاز در آید بلند شود
بلند بیرق سبز
بلند بیرق توحید
بلند بیرق قرآن... درفش دینِ خُدا
به اهتزاز درآید به سرزمین خُدا
که تا حکومت عدل خُدا شود حاکم
و تا جهان بود گردن خم طاغوت
دگر بلند نشود
دگر خطا نکند
دگر بخون ضعیفان دست نه آلاید

انتخاب: خُرمی

تاریخ؛ به دور از گرایش ها

فقیری

مطالعه و بررسی دقیق و درست تاریخ و ارزیابی ها و داوری های منطبق با واقعیت ها. از اصول جامعه و شناخت درست حقیقت ها است. هرنوع اختلاف در نگرش ها و سمت دهی همه افکار و نظریات، مبتنی بر این اصول و ارزش ها است. تا زمانی که تاریخ خود، جامعه و مردم خویش را به درستی و به دور از گرایش ها و کاملاً بی طرفانه و بی غرضانه مطالعه نکنیم و فقط بر مقیاس واقعیت های گذشته و آنچه در امروز به وقوع می پیوندد، فکر درست و به دور از هر گرایش نداشته باشیم. یا به خلاف رفته ایم و یا به شعار های میان خالی، خود و مردم خویش و مردم دنیا را فریب داده ایم: کاری که ایدیولوژی های منحرف و گمراه عصر دیروز و امروز، مرتکب آن شده اند، خود و مردم خویش و حامیان فکر خویش را به بیراهه برده و سبب نابودی آنان گردیده اند.

تاریخ قرن گذشته میلادی، تاریخ مملو از حوادث و جریان های تباهکن و ویرانگر بشریت است، این تباهی و ویرانی نه تنها شامل کشورها و سرزمین ها بلکه، شامل فکر و فرهنگ و ارزش های معنوی جوامع دنیا و به ویژه در آسیای میانه و شرق اروپا گردیده است.

چرا ما همواره از درستی و دقت، صحبت می کنیم و چرا به واقعیت های دیروز و امروز خود را و دیگران را متوجه می سازیم؟ ما چه عجله و شتابی در این کار داریم؟ و چرا به فراگیری درس از تاریخ، خود و دیگران را ترغیب می نماییم؟

به ما می گویند: دولتمردان و دستگاه های استخباراتی دنیا، همه چیز را می دانند و شما بی جهت وقت خود را، وقت دیگران را ضایع می سازید! ما در آخرین سال های سلطنت و در اوایل دیکتاتوری داوود خان، فریاد نمی زدیم و نشریه ها پخش نمی کردیم که کشور ما در خطر است؟ کفر شرقی و بی دینی غربی به سوی سرزمین ما هجوم آورده است؟ ای مردم بیدار شوید و ای دولتمردان به حال خود و مردم، دل بسوزانید و جلو این خطر تباهکن را بگیرید؟

آیا په "سمرقند او بخارا کی څه تیر شوی" به صورت وسیع در کشور ما پخش و نشر می شد؟ و آیا این آژیر خطر تهاجم نظامی روسها و فکر الحادی بر کشور ما نبود؟

آیا صد ها مظاهره و راه پیمایی در کشور ما صورت نمی گرفت و به تکرار این خطر بزرگ را به مردم و ارباب حکومت ها، بازگو نمی کردند؟ و... و ...

ما به تکرار به زمامداران و دولتمردان دوران شاهی نمی گفتیم که کشور در آستانۀ سقوط قرار دارد و کمونیست ها قصد غصب اقتدار را دارند؟

آیا ما توسط کمونیست ها به جانبداری از نظام شاهی و یا کار برای پاکستان و ایران متهم نمی شدیم؟

آیا ببرک کارمل در ولسی جرگه از بودجۀ وزارت دربار شاهی دفاع نکرد و تقاضای ازدیاد آن را نه نمود؟

آیا ظاهر شاه را از مترقی ترین پادشاهان آن عصر نخواندند؟

آیا نور محمد تره کی در میدان هوایی کابل حین بازگشت شاه از مسکو به استقبال او نرفت و دست های او را نبوسید؟ آیا عکس های او در سطح کابل و ولایات پخش نشد؟

پس چه کسانی در خدمت دربار و سلطنت بودند؟ کمونیست ها یا ما؟ آیا شاه ایران در حکومت خود، حزب تودۀ ایران را شرکت نداد و این حزب زمانی دارای سر وزیر نبود؟

آیا جنرال ضیاء الحق به عبدالولی خان پیشنهاد صدارت را نه نمود و همه این در جریان اطلاع ندادند؟

آیا حفیظ الله امین در آخرین روز های قدرت، دست دوستی به پاکستان دراز نکرد؟ و آیا نجیب در آخرین سال های قدرت، دست گدایی به امریکا و انگلیس و پاکستان و ایران دراز نکرد و همه آگاهان از این وقایع، اطلاع ندارند؟

پس چه افراد و گروه هایی وابسته به بیرون و اجنبی ها بودند و چه افراد و گروه هایی از وطن، عقیده و ناموس آن با نثار خون خویش، دفاع کرده اند؟

آیا این همه واقعیت ها را ما در مواقع آن به مردم نگفته ایم؟

اگر امروز صدها و هزاران مجاهد تحصیل یافته و اهل کار، بیکار و بی روز گار اند و زمامداران ما (رئیس جمهور و رئیس اجراییه) در گزینش افراد از وابستگان دیروز یا امروز گروه های چپ و مبین تباهی و ویرانی کشور و فروش آن به اجانب، عضو و کارمند و رئیس و مشاور می گیرند و لاف وطن دوستی و خدمت به آن را دارند، پس این سوال باید از آن ها پرسیده شود؟

پس نگارندۀ این سطور که از جمعیت اسلامی است و تاریخ را باید به دور از گرایش ها بنویسد و یا حصۀ اندک تاریخ کشور را به دور از گرایش های فکری و سیاسی به روی کاغذ بیاورد و خدا را بر نوشته هایش گواه می گیرد:

– ۸ ثور از بزرگترین افتخارات تاریخی کشورما است. اما هفت ثور تاریخ سیاه و پرننگ است: کودتاچیان که ظاهراً به قرآن سوگند یاد کرده بودند و هرچند تعدادی شان به آن عقیده هم نداشتند، اما برضد زعیم سیاسی و رئیس دولت یعنی سردار محمد داوود خان بغاوت کردند و او را که خود باغی و علیه دولت شاهی قیام کرده بود، او را و تمام فامیل اش را تیر باران کردند! صاحب منصبانی که توسط داوود خان رتبه و ترفیع یافته بودند، او و خانواده اش و تعدادی از وزرای او را در یکی دو روز کودتا به قتل رسانیدند!

بلی! دولتمردان همه چیز را می فهمند و استخبارات دنیا بر همه چیز مسلط است! آیا به داوود خان بارها گفته نشد که توطئه در کار است؟ آیا را دیو بی. بی. سی خبر از کودتای نظامی را پخش نکرده بود؟ آیا ساواک ایران به داوود خان از احتمال کودتا خبر نداده بود؟ آیا پیام هایی از سوی رهبر شهید جمعیت اسلامی به او نرسیده بود که ما بدون کدام انتظار و یا چشمداشتی از وقوع یک کودتا به شما اطلاع می دهیم و خود و کشور را نجات دهید؟ پس زمانی که داوود خان تعداد از افرادی ملکی خلق و پرچم را زندانی کرد، چرا به اردو روی نیاورد و دست را نگه داشت؟ چرا درِ کودتا را خودش باز گشاد؟

این است فهم دولتمردان؟!

– پس هجوم افکار کفری و الحادی بر کشورما که با کودتای ۲۶ سرطان و بعد با هفت ثور شدت گرفت و سرانجام در ۶ جدی ۸۵ با لشکرکشی نظامی و تهاجم عریان روس ها قوت گرفت، همه از اخطار هایی بود که ما در دوران سلطنت و دیکتاتوری داوود خان آن را تکرار می کردیم و از وقوع آن هشدار می دادیم.

– مساجد، پوهنتون ها، مدارس و مکاتب، همه سنگر های فکری جمعیت اسلامی افغانستان بودند. در این سنگر ها، جوانان ورزیده، مومن و با هدف، در راه حفظ آزادی و استقلال کشور و دفاع از نوامیس ملی، تربیه و آبدیده می شدند، این ها در دوران سلطنت با مبارزات فکری و فرهنگی و بعد ها با ادامۀ این مبارزات و برپایی سنگرهای دفاع و مقاومت و پس از کودتای ثور و تهاجم روس ها با مبارزۀ مسلحانه، از عقیده و وطن در برابر استبداد، تجاوز و تهاجم اجنبی، دفاع کردند، پس ۸ ثور روز کامیابی جهاد و مجاهدین و مردم افغانستان است.

– روشن است که سلطنت از گروه های چپ و راست غربی، سرسختانه دفاع می کرد و در برابر جمعیت اسلامی و جمع غفیر مردم، ایستاده بود: قیام ۴ جوزای ۱۳۴۹ و حمایت رژیم شاهی از شاعر پرچمی و درود بر لنین که در جریدۀ پرچم نشر شده بود و سرکوب علما و بزرگان مردم درِ مسجد پُل خشتی از یادگارهای دوران سلطنت و سرکوب مردم است.

– شرایط امروز، نا امنی، انتحار و انفجار، که در بدترین شرایط کشور وجود نداشت؛

– اختطاف افراد که در دوران دولت اسلامی هرگز به این پیمانه نبود؛

– حکومت در دولت اسلامی به مراتب متخصص تر از حکومات بعدی بود؛

-زندانی سیاسی در دولت اسلامی وجود نداشت.

– آزادی بیان به پیمانۀ وسیع وجود داشت که رئیس دولت اسلامی (شهید استاد برهان الدین ربانی) با افتخار از آن یاد می کرد.

روان شهدای دوره های جهاد و مقاومت شاد باد و خجسته باد آزادی!

مسلمانان قابل افتخار

نویسنده: خالد القشطینی، نویسنده و تحلیلگر معروف جهان عرب
برگرداننده: عبدالحفیظ همام

در این ایام آنچه در صفحات شبکه های اجتماعی انعکاس می یابد، بازتابی جز از فضیحت و رسوایی و موجی غیر از فاجعه و تباهی که جهان اسلام را فرا گرفته، چیز دیگری به مشاهده نمی رسد!. روی همرفته، چندی پیش کلیپ ویدیویی را دیدم که در شهر تورنتوی کانادا، جوان مسلمانی با چهرۀ گندمی و عمامه برسر در قبال فروشگاه های بزرگ با چشم های بسته و با دستها و آغوش باز ایستاده است، و در کنارش تابلویی گذاشته و برآن این نبشته حک شده بود: "من یک مسلمان هستم، و مردم به من هراس افگن خطاب می کنند؛ ولی من به شما اعتماد دارم، آیا شما به من اعتماد دارید؟".

جمعیت مردم، زن و مرد بسویش می شتافتند و صمیمانه او را به آغوش می کشیدند. برخی هم این صحنۀ اثرگذار را با کامره های شان عکاسی می کردند. یکی هم موترش را در وسط جاده توقف داد، و به سرعت به معانقه اش شتافت، سپس برگشت و به مسیرش ادامه داد. با دیدن این صحنه احساس از شگفتی و ستودنی ژرفای وجودم را فرا می گرفت.

باید یاد آور شد که این یک اقدام فردی بود، که نمود از محبت و اعتماد و احساس برادری را به نمایش می گذاشت، و درعین حال هراس و ترسی که غربی ها از جانب مسلمانان در قالب "اسلام فوبیا" احساس می نمایند، آنرا می زدود. جالب آنکه آن جوان مسلمان چشم هایش را با دستمالی بسته و به همه اعتماد می کند.

چنین یک گام فردی چقدر زیباست. چند ماه قبل، من کارکرد فردی دیگری را نیز به یاد می آورم که یکی از امامان مسجد در شمال بریتانیا، به آن مبادرت ورزید. در محله یی یهودی نشین اکثریت باشنده گان آن، محله را ترک گفتند. عبادت گرانی که به کنیسۀ آن محله تردد داشتند، تعداد شان اندک و انگشت شمار گشت. حالتی از اهمال و ناگواری معبد را فرا گرفت، که در نتیجه نیایش گران غرض ادای عبادت به محلۀ خیلی ها دورتری می شتافتند؛ چون نماز درآئین یهودیت کمتر از نصاب ده نفر انجام نمی گیرد. لاجرم حاخام (پیشوای مذهبی) آن محله از سرناگزیری تصمیم به فروش کنیسه را می گیرد.

امام مسجد مسلمانان درآن منطقه از دیدن تابلویی "برای فروش" که بر ساختمان معبد تاریخی یهودان محله نصب شده بود -آنهم بخاطر مشکل هزینۀ مالی که مانع بازدارندۀ بازسازی و ترمیم آن می گردید- نا راحت گردیده و در روز جمعه خطبه یی پیرامون وضعیت کنیسه و حالت اقتصادی متعبدین آن به مسلمانان ارائه نمود، و از ایشان خواست تا با تبرع و کمک مالی زمینۀ عبادت و نیایش را به برادران یهود شان درآن کنیسه، دوباره فراهم سازند. مسلمانان با پذیرفتن تقاضای امام شان کمک سخاوتمندانه یی گرد آوردند که در اثر این جوانمردی، معبد دوباره ترمیم و بازگشایی یافت. این همدردی در نتیجه باعث مراوده و رابطۀ دوستی عمیقی میان حاخام و امام گردید، و هریکی به دعوت و ضیافت یکدیگر پرداختند. چنین است زمینه هایی به منظور ایجاد دوستی و احترام متقابل میان گروه ها.

به همین روال، اقدامی را که انجمن های اسلامی با اعلام "روز باز" در بریتانیا انجام دادند. همه مساجد را یکروز به روی همه مردم باز گذاشتند تا غیر مسلمانان از مساجد و مسلمانان نمازگزار دیدن نمایند. مردم با پذیرش این دعوت، هزارها نفر با اظهار سپاس به مساجد سرازیر گشتند.

چه بسا ما مسلمانان، نیازمند اقداماتی هستیم تا تسامح اسلام، روح آشتی پرورانه، فطرت مبتنی بر زندگی مسالمت آمیز و زیست باهمی را به نمایش گذارد. و تا چه پیمانه سلوک خشن و متحجرانه که شمار زیادی از خانواده ها و گروه های اسلامی در جوامع غربی از خود به نمایش می گذارند، بنده را اندوهگین و متزجر می سازد. مسلمانانی که نه تنها در فعالیت ها و مناسبت های اجتماعی دیگران سهم نمی گیرند، حتی رأی دادن در انتخابات دموکرتیک را تحریم می کنند. پس جای شگفتی نیست که غربی ها، به ما مسلمانان به دیدۀ ترس و حیرت زدگی بنگرند.

امریکا اوس هم، دنژادي تبعیض په زولنوکي!!

شفیق

د نړۍ ټول بشریت د یو پلار او مور (ادم او حوا) علیهما السلام څخه پیداشوی دی او د تاریخ په اوږدو کې د رنګ او ژبې، نژاد او توکم، دین او مذهب، سیمې او قوم پر بنیاد بشري نړۍ بېلا- بېلو ډلو ته ویشل شوې ده، چې ډېر ځلې همدغه د یو پلار او مور اولاد د شیطاني وسوسو ښکارشوی او ځینو یې د ځینو نورو سره په دښمنۍ کې د پریوتلو لامله، د ټول وژنې تر بریده پر یو بل لاس پورته کړی او وژلي یې دي.

د نړۍ په تاریخ کې له عیسوي میلاد وروسته د بالقاني، ناپیلیوني او ..... جګړو سر بیره د نړۍ دوه نړیوالې جګړې هم، چې پکې په لسګونو ملیونونو انسانان و وژل شو، ډېرې یې د رنګ، ژبې، نژاد، قوم، دین او مذهب پر بنیاد د لوړتیا غوښتلو لپاره وې، چې پدې لړ کې د فاشیستي او سوسیالستي واکمنانو لخوا عام وژنې یې ستر مثالونه دي.

خو د دواړو نړیوالو جګړو وروسته د (ملتونو ټولنې) او د «ملګرو ملتونو سازمان» یو د بل پسې له رامنځته کېدو سره سره هم، د نژادي تبعیض پر بنیاد د اخ او ډب رامنځته کېدو او لوړتیا غوښتنو مخه ونه نیول شوه او د لویدیځې نړۍ پر مختللې بشریت، چې د اولسمې میلادي پېړۍ پورې پکې ښځو د نارینه وو په څېر برابر د انسانیت حیثیت نه وو تر لاسه کړی او لا تر اوسه پکې د رنګ او ژبې د بوتانو پرستش کیږي او د نلسن منډیلا داعیه پکې لا تر اوسه په مسخره نېول کیږي چې د هغې یو مثال په یوویشتمه پېړۍ کې په امریکایي ټولنه کې د بشر د حقوقو د تساوي خبره ده، یوازې د اسلام ټکولو لپاره یو سیاسي تکتیک او توطیه بللې شو، نه دا چې د بشریت د حقوقو په تساوي ولاړ د نژادي توپیر له مینځه وړلو انقلاب؛ لکه څنګه چې د اسلام ستر پیغمبر محمد صلی الله علیه وسلم په بشریت کې رامنځته کړ او په ریښتیا یې په انساني پرګنو کې د هغوی د خالق ذات په وړاندې د سرښکته کولو او له هغه جل جلاله څخه د وېرې لرلو عقل منلی معیار (تقوا) پرته، نور ټول شیطاني معیارونه ونړول او د مختلفو رنګونو، نژادونو، قومونو، سیمو او ژبو پر بنیاد ولاړ دیوالونه یې وغورځول او ټول انسانان یې سره ورونه ورونه کړل؛ چې له مخې یې رومي صهیب، فارسي سلمان او حبشي بلال هر یو د قریشي عربو په څېر د منزلت خاوندان شو او په هکله به یې پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمایلې چې: (بلال سیدنا) و...... یعنې بلال زمونږ سردار دی او داسې نور.

خو د لویدیځې نړۍ واکمنان چې په خپلو تندو یې د ولسواکۍ شعارونه لیکلي او د بشر حقوقو زمزمې خپلې لاسته راوړنې ګڼي، په یوویشتمه پېړۍ کې هم، دغو اصولو ته ژمن ندي چې غوره مثالونه یې په مصر کې د ولسواکۍ له لیارې د دوکتور مرسي د مشروع حکومت نسکورولو لپاره د دیکتاتورۍ له رژیمونو څخه برخمنو ځینو عرب واکمنانو سره لاسه یو کول وو او د نژاد پر بنیاد د توپیرونو پر خلاف مبارزه کې د دروغجن والي بېلګه یې همدا اوس د (فردي ګرۍ) په نوم د هغه تور پوستي مرګ دی، چې دوه میاشتې وړاندې پولیسو ټپي کړی وو او اوس د دوې سره په توقیف کې خپل ژوند له لاسه ورکړ.

او هم درې میاشتې وړاندې د یو تن بل تورپوستکي د پولیسو په لاس وژل وو، چې له هماغې ورځې راهیسې په نیویارک، واشنګټن او د امریکې په نورو مهمو ښارونو کې د نژادي تبعیض پر خلاف امریکا میشتو تور پوستو لاریونونه او اعتصابونه پیل کړیدي؛ چې تېره ورځ یې هم یوه پولیس څوکۍ او د پولیسو یو موټر وسوځول او دوه نیمو میاشتو راهیسې دا لړۍ همداسې روانه ده، ان تردې چې په فرانسه کې د پیغمبر صلی الله علیه وسلم دکاریکاتورونو خپرونکې مجلې معما هم د اسلام دښمنۍ سره د لویدیځې نړۍ د واکمنانو له دښمنۍ څخه سرچینه اخستې وه، چې بالآخره د دوه تورپوستو الکوایشي ورونو په وژنه تمام شوه او لاتر اوسه په اروپا او استرالیا کې دالړۍ روانه ده؛ چې هر تور پوستی او مسلمان وګړی د شک لاندې نیول کیږي او هم د همدغې لویدیځې ټولنې لخوا د افریقایي ولسونو په خپلو هیوادونو کې د لاسوهنې پر بنیاد، چې کله د لویدیځ لخوا ملاتړو واکمنو لامله افریقایي وګړي اروپا ته د فقر او سیاسي اختناق لامله هجرت کوي، نو خپلو هیوادونو ته یې نه پرېږدي چې څو ورځې وړاندې د لیبیا څخه د یوې ډکې کښتۍ او ورڅخه د مخه د ځینو نورو کښتیو د ډوبېدو لامله یوازې په یوه میاشت کې نږدې یو نیم زر آفریقایي وګړي په اوبوو کې ډوب شویدي. خو لویدیځه نړۍ پدې فکر نکوي چې د دې مهاجرتونو لاملونه خو هم همدوي په خپله په مصر، تونس، سومالیه، نائجیریا، اریتریا، او الجزایر کې د لویدیځ تالي څټو واکمنیو په رامنځته کولو او ورڅخه ملاتړ کولو برابروي، نو بیا د بشر د حقوقو د تساوي او ولسواکۍ څخه د دروغجن ملاتړ بې مفهوم شعارونه څه معنا لري؟ چې (فردي ګرې) او د هغه نور تورپوستکي ورونه پکې په امریکا کې هم خوندي نه اوسي

مروری بر برخی رویدادهای مهم کشور

۲۹حمل:

* به گزارش رسانه ها، مقام های ولایت غزنی از کشته شدن چهار غیرنظامی که طالبان در اوایل هفتهٔ گذشته در ولسوالی اجرستان این ولایت گروگان گرفته بودند خبر داده است. معاون والی غزنی گفته است که افراد کشته شده برای خرید و فروش دام به ولسوالی اجرستان این ولایت رفته بودند که به دست طالبان افتادند. این افراد در ولسوالی مالستان ولایت غزنی کشته شده‌اند.

* انفجار حوالی ساعت هشت صبح امروز انفجاری در نزدیک نمایندگی کابل بانک نو در شهر جلال آباد رخ داد. به قول رسانه ها، در این رویداد خونین حدود ۳۷ تن کشته و بیش از یکصد تن دیگر که همه افراد غیر نظامی بودند، زخم برداشته اند.

* همچنان در یک رویداد انفجار دیگر، حوالی ساعت ۱۱:۳۰ دقیقه امروز در مربوطات ولسوالی بهسود رخ داد. که ماین مغناطیسی جاسازی شده در موتر حامل غیر نظامیان بود. بنا به گفتهٔ قوماندان امنیه ننگرهار، در این رویداد یک غیر نظامی کشته و دو تن دیگر زخمی شدند.

۳۱حمل:

* به قول رسانه ها، ۱۷طالب مسلح در ولایت ننگرهار دیشب از حومهٔ ولسوالی دُر بابا آماج در اثر کمین نیروهای مرزی بازداشت شدند. به گفتهٔ قوماندان پولیس مرزی، دراین کمین، یک قوماندان محلی این گروه نیز بازداشت شدند.

* به گزارش رسانه ها، در اثر عملیاتی در مربوطات ولایت های پکتیا، پکتیکا، غزنی، هلمند و کابل انجام شده است، ۱۸ طالب تروریست کشته و هفت طالب دیگر زخمی و شماری دیگری از افراد این گروه گرفتار شدند.

* در نتیجهٔ انفجار ماین مقناطیسی در ولایت قندز عصر امروز ۷ غیر نظامی زخمی شدند. قوماندانی امنیهٔ قندز به رسانه ها گفته است، این انفجار در منطقهٔ بندر کابل شهر قندز در یک موتر رنجر پولیس رخ داده است. درمیان زخمی شده گان دو زن نیز شامل اند.

۴ثور:

* طالبان در ولایت فاریاب یک بزرگ محل را به نام حاجی لعل محمد دیروز به ضرب گلوله کشتند. وی در راه رفتن به مسجد در ولسوالی شیرین تگاب آماج گلوله باری مهاجمان قرار گرفت.

* ولسوال نام نهاد طالبان برای ولسوالی تاله و برفک ولایت بغلان به نام مولوی قیام الدین شکار ماینی شده که از سوی افراد خودش در کنار جاده جاسازی شده بود، وی در این انفجار ماین دیروز زخم برداشت. به گفتهٔ ولسوال تاله و برفک به رسانه ها، پس ازاین رویداد، افراد طالبان قوماندان زخمی شان را برای تداوی به جای نامعلومی انتقال داده اند.

* انفجار ماین در ولایت نیمروز شش عضو یک خانواده را دیروز شهید ساخت. این رویداد در ولسوالی خاشرود هنگامی رخ داد که موتر سایکل زرنج حامل قربانیان با ماین کارگذاری شده در کنار جاده برخورد کرد.

* به قول رسانه ها، هفت پولیس سرحدی در حملهٔ گروهی طالبان مسلح برقرارگاه شان شب گذشته در ولایت بادغیس شهید شدند. دراین حمله طالبان سه پولیس سرحدی دیگر را باخود برده اند. این رویداد هنگامی رخ داد که ده ها طالب مسلح بریک قرارگاه پولیس سرحدی در ولسوالی مرزی بالامرغاب حمله کردند.

* دفترمطبوعاتی وزارت امور داخله خبرداده است، نیروهای امنیتی حملات شان را در مربوطات ولایات کنر، تخار، کندز، فاریاب، جوزجان، قندهار، زابل، میدان وردک، غزنی، هرات، بادغیس و هلمند اجرا نمودند که در نتیجه دوازده طالب مسلح کشته، دو تن زخمی و تعدادی طالب توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

* در نتیجهٔ گلوله باری مردان مسلح بریک نانوایی در ولایت بدخشان دیروز یک تن جان باخت و سه تن دیگر زخم برداشتند. این رویداد در شهر فیض آباد هنگامی رخ داد. آمر امنیت قوماندانی امنیهٔ ولایت بدخشان به رسانه ها گفته است که دراین رویداد یک شاگرد نانوا جانش را ازدست داد و سه تن دیگر به شمول یک مشتری این نانوایی زخم برداشتند.

* طالبان، محمد هاشم مدیر حفظ و مراقبت ولایت فراه را شب گذشته در خانه اش در ولسوالی پشت رود آماج کشتند. درخانه اش حمله گروهی ازمهاجمان قرارگرفت و جان باخت.

۵ثور:

* در حمله طالبان مسلح برکاروان موتر های عروسی سه تن به شمول داماد شهید شدند. آمر امنیت قوماندانی امنیهٔ ولایت فراه به رسانه ها گفته است، این رویداد در منطقهٔ شورآب مربوط شهر فراه زمانی رخ داد که طالبان مسلح ناشناس کاروان موترهای عروسی که از خانه عروس بر می گشتند، توقف داده داماد، پدر و برادر او را باخود بردند و به قتل رساندند. شاهدان عینی گفت اند که طالبان مسلح پنج نفر بودند و لباس پولیس به تن داشتند.

* انفجار در نزدیک زندان قندهار دیروز دو فرد ملکی به شمول یک زن را شهید ساخت .سخنگوی والی قندهار به رسانه ها گفته است، این رویداد در نزدیک زندان قندهار زمانی رخ داد که مواد انفجاری که در داخل یک خریطه جاسازی شده بود، در نزدیک زندان منفجر گردید.

۶ثور:

* مولوی نورالهدی از منتقدان اصلی طالبان، در اثر انفجار ماین کار گذاری شده در موترش، در مرکز شهر کندز، حوالیّ چاشت امروز به شهادت رسید. این رویداد به طالبان نسبت داده شده است.

۸ثور:

* بیست و هفت جنگجوی شورشی مشمول ملا مصطفی فرماندهٔ نظامی هراس افگنان، در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز کشته شده اند. به گزارش دفتر مطبوعات فرماندهی پولیس کندز، در نتیجهٔ درگیری که شب گذشته نیروهای امنیتی با مخالفین، در ساحات کول دامن ولسوالی امام صاحب کندز داشتند، ۲۷ تن از مخالفین مشمول ملا مصطفی فرمانده عمومی گروه طالبان، در ولسوالی امام صاحب ولایت کندز که یک شهروند خارجی بود، کشته شده اند. در یک گزارش دیگر از قول رسانه ها، سخنگوی فرماندهی پولیس ولایت قندوز گفته است که در جریان این درگیری های کندز تا قبل از ظهر روز دوشنبه (۷ ثور) ۵۰ مخالف مسلح کشته و بیش از ۶۰ تن دیگر آنان به شدت زخمی شده اند.

ایران و افغانستان...

کار ساختمان بند کمال خان که باید سهم ایران از آب هیرمند از آنجا جدا می شد، با گذشت ده ها سال هنوز هم تکمیل نشده است.

اشرف غنی خواهان همکاری های بیشتر در بخش های اقتصادی با ایران است و این تمایل وی هم در ملاقات با رئیس جمهور و هم با رهبر ایران مشخص بود.

روزنامهٔ اعتماد چاپ تهران عکسی از اشرف غنی را با نکتائی و تسبیح به نشر سپرده و با تیتر درشت نوشته است: "همسایه با تسبیح وکراوات آمد!" این روزنامه تسبیح و کراوات اشرف غنی را نمادی از دو گانگی دولت افغانستان دانسته که از یکطرف هم پیمان با امریکاست و از جانب دیگر می خواهد با جهان اسلام رابطه داشته باشد.

اشرف غنی در ملاقات با آیت الله خامنه ای گفت که، دین مبین اسلام هویت ما را تشکیل می دهد و مردم افغانستان در این راستا قربانی های زیادی را متقبل شده اند و اخیراً در حدود چهار هزار تن از علمای دینی کشور با صراحت از نیروهای امنیتی و نظام افغانستان اعلام حمایت کرده اند.

اشرف غنی ضمن اینکه تروریسم را خطری برای همه کشور های منطقه دانست، ظهور داعش را چالش جدیدی برای منطقه عنوان کرد که مبارزه با آن نیازمند همگرائی بیشتر میان کشور های منطقه است.

رئیس جمهور غنی تاکید نمود که مناسبات میان دو کشور افغانستان و ایران مستحکم است و ما در جهت استحکام بیشتر آن تلاش خواهیم کرد.

په نیپال کی...

او اقتصادي پرمخ تګ په وړاندې خنډ واقع کیږي، دا هم د مسلمانو پرګنو او دین منونکو وګړو ته له ذهن څخه ویستل ندي پکار چې رامینځته شوي اختلافات (چې معمولاً د ځینو وګړو په ځینو نورو بلندې د ظلم لامل ګرځي) د الهي غضب د نازلیدو هم سبب واقع کیږي او د هغې نمونه نن دا ډول پیښې دي چې ډېرې ظلمونه پکې ترسره کېدونکي هیوادونه د طبیعي آفاتو سره د مخ کېدو په توګه مخ کیږي. نو باید چې هره طبیعي پېښه د هغو د مادي او فزیکي عواملو تر څنګه، د کایناتو د خالق ذات له لوري د دین سرغړوونکو وګړو او ګناهګارو ټولنو لپاره یو ګواښ او ویرول هم تلقي شي؛ نو پدې بنیاد باید زمونږ د افغاني ټولنې وګړي هم، د ورته ټولنیزو او سیاسي حالت لرونکې ټولنې په توګه، خپل ځانونه د الله جل جلاله له حکمونو څخه په پیروۍ کولو سره له داسې ډول عذابونو او آفتونو څخه وساتي او کوښښ وکړو چې د حق د دین په پیروۍ سره ځانونه د آفاتو او عذابونو د مستحق کېدو پر ځای د الهي انعام او پېرزونو وړ وګرځوو او پدې ترتیب سره د الله جل جلاله له رحمت څخه برخمن شو نه دا چې له غضب او نیونې څخه یې

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم -سال چهاردهم - شمارهٔ ششم ۱۳ ثور ۱۳۹۴ ۱۴ رجب المرجب ۱۴۳۶ 3 MAy 2015

■ راوی

ایران و افغانستان، چشم انداز روابط آینده

سفر رئیس جمهور غنی به ایران و دیدار های وی با رهبر مذهبی و رئیس جمهور این کشور می تواند صفحهٔ جدیدی در روابط میان دو کشور بگشاید. در این سفر اسناد همکاری دو جانبه میان وزارت های خارجه و تحصیلات عالی نیز به امضا رسید و روی مبارزهٔ مشترک و موثر با تروریسم و مواد مخدر نیز تاکید صورت گرفت.

ایران و افغانستان دو کشور همسایه با ۹۵۰ کیلومتر سرحد مشترک، مشترکات تاریخی و فرهنگی فراوان باهم دارند. ایران از بیش از سه دههٔ گذشته میزبان میلیون ها مهاجر افغان بوده است. در دوران حاکمیت طالبان روابط دو کشور به سردی گرائید و سفارت ایران در کابل بسته شد. در آن زمان حکومت ایران دولت استاد برهان الدین ربانی را برسمیت می شناخت و این دولت را در برابر طالبان کمک می نمود. در سرنگونی رژیم طالبان، نقش ایران مخفی اما بسیار مهم بود.

بعد از سرنگونی طالبان و با وجود اینکه امریکا در افغانستان حضور نظامی داشت، ایران با دولت حامدکرزی رابطهٔ نزدیک برقرار نمود و در مواردی کمک های مالی در اختیار حکومت جدید قرار داد.

بعد از بمیان آمدن حکومت وحدت ملی، رئیس جمهور غنی اعلام داشت که کشور های همسایه در سیاست خارجی حکومت جدید جایگاه خاص خود را دارد اما اعلام جانبداری اشرف غنی از حملهٔ ائتلاف به رهبری سعودی به یمن نه تنها روابط میان افغانستان و ایران را سرد ساخت بلکه، در داخل حکومت وحدت ملی نیز موجب دو دستگی شد. حاجی محمد محقق معاون دوم ریاست اجرائیه



از این اقدام ریاست جمهوری افغانستان لب به انتقاد گشود.

گفته می شد که اشرف غنی در سیاست خارجی خویش تعادل را نادیده می گیرد و این سیاست برای کشور آسیب پذیری چون افغانستان چالش آفرین خواهد بود. گفته می شد که افغانستان بیش از حد به عربستان سعودی نزدیک شده و این کار می تواند روی روابط با ایران تاثیر منفی داشته باشد.

هرچند ایران بعنوان یک کشور همسایه از نا امنی های طولانی در افغانستان زیان دیده است اما در طول سیزده سال گذشته با وجود جنگ در افغانستان، سرحد افغانستان با ایران در مقایسه با سرحد این کشور با پاکستان آرام تر بود. طالبان نخواستند تا در سرحدات ایران مشکل ایجاد نمایند. اما در این اواخر با نمودار شدن جای پای داعش در افغانستان، نگرانی ایران از وضع در افغانستان بیشتر شده است.

مواد مخدر افغانستان که بیشتر در ولایات نزدیک به مرز های ایران کشت می شود، موجب مشکلات اقتصادی و اجتماعی برای ایران گردیده است. ایران می خواهد در مبارزه با مواد مخدر، میان مقامات امنیتی افغانستان و ایران هماهنگی بیشتر بمیان آید که در این سفر اشرف غنی روی این مسئله نیز توافق شد.

نکتهٔ دیگر در روابط میان دو کشور موضوع آب هیرمند است. هرچند موضوع تقسیم آب میان دوکشور سالها قبل با امضای قرارداد هیرمند میان دو کشور حل شد و حق آبهٔ ایران تعیین گردید اما پس از تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان و نا امنی ها بعدی، ایران توانست به مراتب بیشتر از حق آبهٔ خویش از آب هیرمند استفاده نماید.

ص۷

په نیپال کې ویجاړونکې زلزله



□ رفیق بحر

نیپال چې د جنوبي آسیا او سارک ټولنې یو غړی هیواد دی، پکې د ۸،۷ ریکټر په کچه زلزله رامینځته شوې او تر دا مهاله یې د ځانی تلفاتو شمېره څلوروزرو تنو ته رسیدلې ده او اوه زرو تنه ټپیان شویدي. دغه زلزله د همالیې غره ته نږدې پداسې سیمه کې رامینځته شوې ده چې ل نیپال سربېره د هندوستان، چین، سریلانکا او بنګله دیش ځینې سیمې یې هم آغیزمنې کړیدې او د معلوماتو له مخې تر دامهاله د چین په خاوره کې د ځانې تلفاتو شمېره یو شپېته او په جاپان کې پنځه ویشت کسانو ته رسیدلې ده.

ویلې کیږي چې دغه زلزله د اتیاکلونو راهیسې د نیپال په تاریخ کې له ټولو ستره زلزله ده؛ ځکه د زلزلې سره په نیپال کې ژوند په ټپه ودریدلی دی او د څلورزور تنو د ځانې تلفاتو دغه شمېره ښایې نوره هم لوړه شي. د تانیا بهارن په نوم یوې نیپالۍ ژورنالستې رسنیو ته پدغه هیواد کې د رامنځته شوې زلزلې د آغیزو په هکله ویلې دي چې حکومت تر دا مهاله د زلزلې په نتیجه کې د بې ځایه شوو خلکو لپاره شپاړس کمپونه جوړ کړیدی او پاتې خلک هم د هغوی د کورونو د ویجاړیدو لامله په خیمو کې ژوند کوي؛ نوموړې وایې چې دا مهال په نیپال کې له ټولو غټه ستونزه د څښاک د پاکو اوبو نشتوالی دی؛ ځکه د زلزلې ټکانونو د اوبو پائپونه (نلونه) شلولې او مات کړیدي، چې لامله یې نیپال ولس د اوبو د نشتوالي سره مخ دی. همدارنګه په نیپال کې پلورنځې تړل شویدي او هم ښوونځي ویجاړ شوي دي چې ورسره ورځني ژوند په ټپه ودریدلی دی.

د نیپالي ولس امنیتي ارګانونه (پوځیان) د خلکو له خاورو څخه په راوستلو بوخت دي؛ ځکه ډیر خلک لاتر اوسه هم د کورونو د پریوتلو لامله د خاورو لاندې دي. د نړیوالو مرستو په لړ کې د سره صلیب کمیټې خپل کار آغاز کړی دی او انساني مرستې یې له نیپالۍ ولس سره پیل کړیدي چې امریکا د نړۍ له ټولو څخه ستر اقتصادي قوت حیثیت لرلو سره پریکړه کړې چې د لس ملیونو ډالرو په بیه مرستې به نیپال ته ورسوي؛ پداسې حال کې چې ښایې دا مرستې کفایت ونکړي او دسارک د غړو هیوادونو د مرستو په اړه لا تراوسه څه معلومات نشته دی.

دا طبیعي پېښه د نیپالي ولس لپاره پداسې حال کې یوه غمېزه ګرځیدلې ده چې په نیپال کې سیاسي کړکیچ هم ادامه لري؛ ځکه سږکال نیپال د سیاسي ناندریو شاهد وو او پدغه هیواد کې سیاسي او مذهبي اختلافونه دوام لري؛ د نیپال خلک د دین له مخې د بودایې دین پیروان دي او په سیاسي وضعیت کې ددغه هیواد د پخوانی صدراعظمي او اوسنیو واکمنانو تر مینځه کړکیچ دوام لري؛ چې له مخې یې پخوانۍ صدراعظمه د وریجو په یو قرارداد کې په اداري فساد تورنه شوې هم وه او محاکمې لخوا ورته اعلان شوی حکم د هیواد سیاسي کړکیچ نورهم غټ کړیدی او هم د میانمار هیواد سره په ګاونډ کې د پریوت لرلو لامله (چې په وروستي هیواد کې د بودائیانو او لږکیو مسلمانانو تر مینځه کال وړاندې پېښې شوي اخ او ډب اوله میانمار څخه د ځینو مسلمانانو په زور د ویستلو عمل نیپال هم آغیزمن کړی وو).

اوس نیپال هم د ورته وضعیت لرونکی وو، چې لامله یې د نیپال خپل اقتصادي وضعیت خراب شوی او سیاسي ثبات یې هم آغیزمن شویدی. نو ځکه دا مهال د زلزلې رامینځته کېدو په نتیجه کې هلته د رسیدونکو انساني مرستو د ویش مسئله هم یوه ستونزه ده چې لامله یې د نوین په نوم یو نیپالي مدني فعال وایې چې د ویجاړیو او انساني تلفاتو ترڅنګه. چې نیپالي ولس سره مخ شویدی او نړیوالو مرستو ته اړتیا لري، پخپله د دغو مرستو ویش هم یوه ستونزه ده؛ ځکه مختلفې سیاسي ډلګۍ چې له یو بل سره اختلاف لري او هر یو یې په ځانګړی جغرافیوی موقعیت کې واکمن او برلاسي دي، لامله یې ښایې دغه انساني مرستې هم اړو خلکو ته په وخت و نه رسولی شي او لامله یې ښایې انساني تلفات نور هم لوړ شي.

یوشی چې د طبیعي پېښو څخه د عبرت په توګه باید ورڅخه بشري ټولنې ګټه پورته کړي؛ هغه دادی چې د یوې ټولنې خپلمنځې اختلافات که د یو هیواد د سیاسي ثبات

۷مخ